

شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء همبستگی ملی با رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی

علیرضا جزینی^۱، علیرضا گز مه^۲، غلامرضا رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۵

چکیده:

هدف: تأکید بیش از حد بر مسئله قومیت باعث میشود تا واقعیت مهمتری یعنی ملت و ملیت فراموش شده و به مرور زمان قوم، گروه قومی و قومیت به مظهر وفاداری و تعلق^۳ خاطر تبدیل شود. از این رو لازم است تا ضمن توجه به مسئله قومیت و مشکلات اقوام، بر پدیده مهمتر ملیت و همبستگی ملی تأکید شود، زیرا ملیت چتر بزرگتری است که همه اقوام را در بر میگیرد. این پژوهش به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان انجام شد. در این پژوهش تأثیر پنج عامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی - مذهبی و فرهنگی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی مورد مطالعه واقع شده است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و با توجه به نوع و ماهیت مسئله، توصیفی تحلیلی است که برای جمعآوری اطلاعات از روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان استان سیستان و بلوچستان است که با استفاده از رابطه کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه محاسبه شد. مقدار آلفای کرونباخ برای سؤالات پرسشنامه برابر با ۰/۹۴۵ محاسبه شد که نشاندهنده پایایی بالای آن است. به منظور بررسی فرضیه‌های مطرح‌شده از آزمون تی تک نمونه‌ای و دو نمونه‌ای استفاده شد، در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن، رتبه‌بندی عوامل انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر پنج عامل مطرح بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذارند و هیچ تفاوت معناداری در نظرات پاسخ‌دهندگان از حیث جنسیت، قومیت و مذهب ایشان وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون فریدمن مشخص شد که عامل قومی - مذهبی از دید پاسخگویان اثرگذارترین عامل در ارتقاء همبستگی ملی در استان سیستان و بلوچستان است. بعد از این عامل، به ترتیب عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

کلیدواژه‌ها:

سرمایه اجتماعی، سیستان و بلوچستان، قومیت، مناطق مرزی، همبستگی ملی.

۱. دانشیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین، رئیس انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: alirj1101@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه:

shab57280@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

در گذشته امنیت فقط به معنی نبود تهدید نظامی تلقی می‌شد ولی امروزه مؤلفه‌های امنیت افزایش یافته و تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و حتی قومی را شامل می‌شود. از این نظر بسیاری از کشورهای جهان چند قومیتی و چند فرهنگی هستند. در واقع تنها در ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و در این میان تنها ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که دارای یک گروه قومی هستند (قاسمیانی، ۱۳۸۰: ۲۱). بنابراین اقوام به عنوان گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار، نقش حساسی در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی کشورها ایفا می‌کنند. مسائل قومی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می‌آید. به طوری که ظرفیت دولت‌ها در بهره‌گیری از تجارب اقوام و فرهنگ‌های مختلف به پیشرفت اقتصادی و انسجام اجتماعی می‌انجامد؛ اما ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی گروه‌های قومی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی متحد، تهدیدات امنیتی را به همراه می‌آورد. ایجاد همبستگی ملی و همگرایی اقوام از آرمان‌های هر حکومتی محسوب می‌شود زیرا همبستگی ملی و قومی باعث تقویت انسجام اجتماعی شده و تقویت سرمایه اجتماعی را به همراه خواهد داشت. تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه می‌تواند نویدبخش دست‌یابی به امنیت پایدار در آن جامعه باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۲).

عوامل زیادی می‌توانند بر همبستگی ملی تأثیرگذار باشند؛ در عصر حاضر، قومیت‌ها به دلیل بالا رفتن سطح آگاهی و تأثیر رسانه‌های داخلی و خارجی از آگاهی فرهنگی بالایی برخوردار شده‌اند که اقداماتی مثل بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض حتی به صورت تخیلی می‌تواند به شدت به فقدان همبستگی ملی منجر شود. پس تغییر برخی راهکارهای مدیریتی نسبت به مناطق حاشیه‌ای و اجرای کامل قانون اساسی لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا همبستگی ملی و به دنبال آن تقویت سرمایه اجتماعی به منظور نیل به امنیت پایدار حاصل شود (قمری، ۱۳۸۴: ۹).

ایجاد و ارتقاء همبستگی در میان مردم تقویت سرمایه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه موجب افزایش احساس امنیت در جامعه شده و همدلی، مشارکت و اعتماد اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد. استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان با تنوع قومیتی و مذهبی بالا، به علت دارا بودن شرایط خاص از جمله دور بودن از مرکز و هم مرزی با دو کشور بی ثبات افغانستان و پاکستان و از سوی دیگر، تفرقه افکنی ها و توطئه دشمنان خارجی و سایر عوامل، به مراتب بیش از سایر استان های دیگر نیازمند توجه به موضوع ارتقاء همبستگی ملی است. تنوع قومی و چند فرهنگی از مشخصات بارز استان سیستان و بلوچستان است که این تنوع قومی می تواند مانند شمشیر دو لبه عمل کند و در صورت داشتن راهبرد مناسب، در هر برهه از زمان می تواند چالش های پیش رو را به فرصت تبدیل کند. این موضوع اهمیت مطالعه عوامل تأثیر گذار بر ارتقاء همبستگی ملی در استان سیستان و بلوچستان را روشن می کند. به همین خاطر لازم است تا به عوامل تأثیر گذار بر همبستگی ملی و راه های ارتقاء آن در استان سیستان و بلوچستان پرداخته شود.

مبانی نظری

همبستگی در فرهنگ علوم سیاسی این گونه تعریف شده است؛ «همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه برای مرفه تر و مترقی تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز» (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۴۰۲). آلن بیرو در خصوص همبستگی معتقد است که: «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها به طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آن ها باشد» (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۶۵). در تشریح مفهوم همبستگی، پنج دسته مفاهیم هستند که با یکدیگر ارتباط دارند. این مفاهیم عبارت اند از: وفاق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، نظم اجتماعی و نظام اجتماعی (چلی، ۱۳۷۸: ۲۰). هر کدام از این ها به مفهوم بعدی ارتباط دارند. انسجام اجتماعی دو بعد دارد. اول بعد همبستگی اجتماعی و دوم بعد انسجام نظام مند که اولی بعد نرم افزاری و

دومی بعد سخت‌افزاری انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. منظور از انسجام نظام‌مند، ارتباط وابستگی اجزای نظام اجتماعی، در سطح و ابعاد مختلف، شامل بعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که می‌تواند در سطوح خرد یا کلان مطرح باشد (چلبی، ۱۳۷۸: ۳۱-۳۲). مفهوم دیگر مرتبط با این بحث، انسجام ملی و ضرورت وجود آن برای حفظ همبستگی ملی است. انسجام اجتماعی^۱ یک مفهوم اجتماعی است که خواهان سامان‌دهی مشابهت‌ها و تمایزات در جامعه است. پیش فرض انسجام اجتماعی، این است که انسان‌ها خواسته‌ها و نیازهای مختلفی دارند، در عین اینکه به ذائقه و نیاز آن‌ها توجه می‌شود، به تفاوت‌های افراد نیز پرداخته می‌شود. بر این اساس، انسجام اجتماعی بیش از آنکه دغدغه‌ای از «بالا به پایین» باشد، یک دغدغه «پایین به بالا» است. به عبارت دیگر، پیش از آن که به جمع کردن مشابهت‌ها بیندیشد، به تعریف و بازخوانی تفاوت‌ها نظر دارد. هویت دغدغه انسجام اجتماعی است، آن هم نه هویت انتسابی و ذاتی، بلکه هویت اکتسابی و فرهنگی و کاری که با تعلیم و تربیت درازمدت و به حسب رشته و پایگاه اجتماعی شکل گرفته و موقعیت شغلی و حرفه‌ای او را تشکیل داده است. انسجام اجتماعی، موقعیت‌ها و وضعیت‌های افراد را در نظر می‌گیرد و به دنبال همسان کردن افراد نیست. در برخی جوامع ایجاد انسجام اجتماعی به راحتی صورت می‌گیرد اما در جوامع چند قومی و چند فرهنگی این گونه نیست و به دشواری می‌توان به آن دست یافت.

مطابق تعریف سیاست قومی می‌توان گفت، در بیشتر ادبیات مربوط به اقوام، تکثر و تنوع قومی در درون یک جامعه به منزله تهدید شمرده شده که باید در صدد حل آن بود. شیوه‌های حل این مسئله دامنه و طیف وسیعی از اعمال همراه با خشونت تا اقدامات حمایتی و دموکراتیک را در بر می‌گیرد. اگر سیاست‌های قومی را راهبردهای تنظیم و تغییر روابط قومی در جامعه تعریف کرد که بر اساس آن می‌توان روابط قومی را تحت قاعده و نظم

درآورد و بر آن‌ها مدیریت کرد، پس می‌توان متناسب با انواع روابط قومی از انواع سیاست‌های قومی نام برد (چلیبی، ۱۳۷۸: ۷۷).

حوزه فرهنگی: که شامل تقویت روند مفاهیم فرهنگی، تبادل اندیشه‌ها و نمادها و رواج ارزش‌های فرهنگی مثل عزت، احترام، تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد و صداقت است. در این میان اشاعه جوهر فضائل اخلاقی موجب اشتراک خواهد بود. در این صورت تفاوت در موسیقی، ادبیات، آداب و رسوم و... از موانع تحقق وحدت ملی شمرده نمی‌شود. هدف اصلی در این زمینه کاهش محورها و عناصر وحدت‌آفرین و درعین حال تقویت جدیت و گسترش شمول آن‌ها می‌باشد. هرچه تعداد این عناصر محوری کاهش یابد، اشخاص بیشتری در آن‌ها مجتمع خواهند شد.

حوزه اجتماعی: هدف اصلی در این حوزه نیز تقویت روابط اجتماعی اقوام در تمامی ابعاد آن است. نزدیک کردن روابط، شدت بخشیدن به مناسبات، عاطفی و گرم کردن روابط و تنوع دادن به اشکال روابط از جمله این اقدامات است.

حوزه اقتصادی: هدف سیاست قومی در این حوزه شامل گسترش روابط مبادلاتی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، ورود و ادغام بازارهای محلی در بازار ملی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، توسعه اقتصادی به ویژه در بعد سرمایه‌گذاری صنعتی است.

حوزه سیاسی: هدف اصلی، تعمیق احساس یگانگی فرد با واحد سیاسی (کشور)، تقویت علاقه مندی به زادبوم، جدا کردن حق تعیین سرنوشت از حق تشکیل کشور مستقل، افزایش مشارکت سیاسی نهادینه‌شده، تمرکززدایی اداری و تقویت نهادهای مدنی در مناطق قومی است (حاجیان، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۲۸).

همبستگی از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که درباره آن رویکردهای نظری گوناگونی وجود دارد. از نظر لاند اکار^۱ همبستگی نه یک مفهوم تک‌بعدی بلکه یک مفهوم چندبعدی محسوب می‌شود؛ بر این اساس همبستگی به چهار نوع تقسیم می‌شود:

همبستگی فرهنگی (سازگاری بر سر معیارهای فرهنگی)، همبستگی هنجاری (ارزش‌های جامعه در عناصر ساختاری نظام اجتماعی نهادینه می‌شوند)، همبستگی ارتباطی (استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی جهت ایجاد وفاق) و همبستگی کارکردی (وابستگی متقابل واحدهای یک نظام اجتماعی بر اساس تقسیم کار) (گورانگ^۱، ۱۹۸۰). بر مبنای این تقسیم‌بندی برخی به طرح مباحث نظری پیرامون همبستگی ملی نیز پرداخته‌اند. از جمله این متفکران دکتر بشیریه است، به باور وی همبستگی را در مجموع می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد: همبستگی فرهنگی یعنی اشتراک کلی در ارزش‌ها، همبستگی هنجاری یعنی هماهنگی میان ارزش‌های فرهنگی و شیوه‌های رفتار، همبستگی ارتباطی یعنی گسترش ارتباطات در کل نظام اجتماعی و همبستگی کارکردی یعنی وابستگی متقابل اجزای نظام یا عدم تغایر میان آن‌ها. همبستگی ملی مستلزم هر چهار نوع است اما در سطح سیاسی تر، سه نوع آخر از اهمیت بیشتری برخوردارند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۹۰). همبستگی هنجاری^۲ به‌ویژه در آثار «تالکوت پارسونز»، جامعه‌شناس آمریکایی مطرح شده است. همبستگی هنجاری وقتی پدید می‌آید که عناصر اصلی نظام فرهنگی یعنی ارزش‌های مشترک جامعه در ساختارهای نظام اجتماعی نهادینه شوند. همبستگی هنجاری هم در سطح کل نظام اجتماعی و هم در سطح نظام‌های فرعی مطرح می‌شود. این مفهوم را می‌توان در سطح ارزش‌ها و عملکرد هر گروه (مانند روحانیت، روشنفکران) و هر نهاد اجتماعی (مانند دانشگاه یا دولت) بررسی کرد. با گسترش جمعیت و نارسایی دستگاه‌های آموزش، مشکلات فزاینده‌ای بر سر راه درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی در فرد پدید می‌آید و این خود بر دامنه بحران همبستگی می‌افزاید (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۹۱).

همبستگی کارکردی^۳، این نوع همبستگی حاصل عملکرد مثبت و یا اجرای کارویژه‌های اجزاء هر نظام اجتماعی است. در نتیجه، اجزاء با یکدیگر روابط متقابل و مکمل پیدا می‌

-
1. Gurung
 2. Normative Solidarity
 3. Functional Solidarity

کنند و نقش‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و دیگر عناصر نظام اجتماعی به تعادل متقابل می‌رسند. همبستگی کارکردی مهم‌ترین شکل همبستگی در نظام‌های اجتماعی نوین است و براساس الگوی بازار و یا کنش عقلانی معطوف به هدف مبتنی است. در این نظام‌ها میزان تخصص و نیز میزان وابستگی متقابل افزایش می‌یابد. ضعف یا قوت این نوع همبستگی در سراسر نظام یکسان نیست. در عین حال همبستگی کارکردی مستلزم میزان استقلال نسبی در مورد اجزاء یا نظام‌های فرعی است. پس همبستگی کارکردی نیازمند وابستگی و استقلال نسبی هر دو است. اگر سازوکارهای لازم برای حفظ استقلال نسبی اجزاء در کار نباشد احتمال منازعه و آسیب رسیدن به همبستگی کلی افزایش می‌یابد. همبستگی کارکردی همان همبستگی اندام‌وار از نظر دور کیم است. همبستگی کارکردی و اندام‌وار اساساً از نظام اقتصادی یعنی هنجارهای مربوط به مالکیت، قرارداد، روابط بازاری و... برمی‌خیزد، در حالی که همبستگی مکانیکی و فرهنگی در جوامع معاصر محصول عملکرد حکومت است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۹۲).

همبستگی ارتباطی^۱، از این دیدگاه ارتباطات و رسانه‌ها نقش عمده‌ای در دستیابی به وفاق و همبستگی در جوامع نوین دارند. همبستگی تنها به واسطه ارزش‌های مشترک فرهنگی و نهادهای اجتماعی حامی آن‌ها، به وجود نمی‌آید بلکه چنان ارزش‌ها، هنجارها و نهادهایی باید در شبکه‌ای از ارتباطات گسترده قرار بگیرد. جوامع نوین و یا در حال نوسازی، دارای مرکز و پیرامون هستند و یکی از عرصه‌های گسیختگی اجتماعی و یا ضعف همبستگی بر حول همین محور پدید می‌آید. همبستگی در عصر جدید بدون بهره‌گیری از وسایل ارتباطی در سطحی گسترده حاصل نمی‌شود. میان وسایل ارتباطی جدید، افکار عمومی سازمان‌یافته، و همبستگی ملی ارتباط نزدیکی وجود دارد. با این حال نقش وسایل ارتباطی در ایجاد و گسترش همبستگی ملی باید در پرتو تمایز میان همبستگی

ابزاری و شباهت پایه و همبستگی کارکردی و اندام‌وار در نظر گرفته شود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۹۳).

فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). از نظر پاتنام، منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگی، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). براساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل مجموع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت بادوامی از روابط نهادینه‌شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است (شارع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱). در مقایسه با بوردیو، کلمن از مفاهیم دیگری برای تعریف سرمایه اجتماعی استفاده می‌کند و در چارچوب نظری متفاوتی سخن می‌گوید. وی به جای تعریف سرمایه اجتماعی بر حسب ماهیت و به‌طور کلی محتوای آن، به کارکرد آن توجه دارد. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق یا منع می‌کنند (شارع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲). نکته مهمی که وجود دارد این است که همه این متفکران در تعریف سرمایه اجتماعی بر قدرت شبکه‌ها تأکید دارند. چندبعدی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی باعث شده تا اختلاف نظرهای زیادی در تعریف آن به وجود آید. یکی از گام‌های اساسی در رسیدن به این هدف تلاش برای ایجاد صراحت مفهومی از طریق ایجاد تمایز شفاف بین منابع، ابعاد، مؤلفه‌ها، اشکال و پیامدهای سرمایه اجتماعی و رهایی از گرفتار شدن در تفسیرهای همان‌گویانه در زیر چتر یک برنامه تحقیقی یکپارچه است. مفهوم همبستگی ملی دارای پیوند و اختلاط فراوانی با سایر مفاهیم بنیادی علوم اجتماعی از قبیل همبستگی اجتماعی، اجماع، توافق، هویت، یگانگی، انسجام، انطباق و سازگاری اجتماعی داشته است و از قضا کمتر به‌طور مستقیم و به صورت یکپارچه مورد بررسی قرار

گرفته است. رهبر معظم انقلاب همواره بر وحدت و انسجام ملی تأکید دارند. ایشان راز و رمز پیشرفت کشور را در حفظ وحدت و همبستگی می‌دانند و در همین زمینه می‌فرمایند: پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی است که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هر چه بیشتر کنیم و ارتقاء ببخشیم (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۳۸۸/۱/۱)؛ همچنین در بیاناتی دیگر می‌فرمایند: آن چیزی که می‌تواند جلوی تهاجم گستاخانه امریکا را بگیرد، فقط و فقط وحدت ملی و وحدت کلمه است. آن‌ها در هر جا بخواهند قدم بگذارند، اول باید ایجاد تفرقه کنند. وسیله موفقیت آن‌ها، وجود اختلاف در صفوف داخلی ملت‌هاست. هر جا توانسته‌اند زورگویی و اعمال خشونت کنند، اگر دقت کنید، می‌بینید بین صفوف ملت شکاف وجود داشته است. آنجایی که وحدت کلمه باشد، این‌ها جرئت نمی‌کنند نزدیک شوند. علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناح‌های مختلف سیاسی و گردآمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معین کرده و مورد قبول این ملت است؛ همان چیزهایی که ملت برای آن فداکاری کرد (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، ۸۱/۳/۴). اختلاف‌افکنی و تفرقه یکی از آفت‌هایی است که مانع حفظ وحدت، انسجام و همبستگی ملی می‌شود. رهبر انقلاب در همین زمینه می‌فرمایند: این کشور با اتحاد مسئولین، با همدلی مسئولین، با همدلی ملت با مسئولین و با اتحاد عظیم ملت ایران پیش خواهد رفت. همه تلاش امام بزرگوار ما در طول آن ده سال زندگی با برکت خود در رأس جمهوری اسلامی، بر همین تأکید و بر همین نکته بود؛ اتحاد مردم، همدلی مردم. امروز هم همان است؛ باید کاری کنیم و ملت ایران کاری کنند که مسئولین کشور با هم همدل باشند، همراه باشند، اختلاف و شقاق و درگیری و میج‌گیری و دست به یقه شدن و ایراد بنی اسرائیلی از یکدیگر گرفتن، این چیزها نباشد (بیانات در دیدار کارگران و

کارآفرینان، ۸۷/۲/۴). در ادامه به پژوهش‌های تجربی که در آن‌ها مقوله همبستگی ملی مورد توجه بوده‌اند، به اختصار به ذکر نام و کار پژوهشی برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قاسمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «همسازی هویت ملی و قومی در ایران و رویکرد اقوام ایرانی به حق تعیین سرنوشت» به این نتیجه رسیدند که حق تعیین سرنوشت یکی از مطالبات اساسی اقوام ایرانی است و متناسب با شرایط منطقه‌ای، سیاسی و رفاهی هر یک از اقوام ایرانی، نوع و سنخ مطالبات اقوام ایرانی ممکن است تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد. همچنین اقوام بر پیگیری مطالبات خود از راه مسالمت‌آمیز تأکید دارند و گفتمان حاکم و مسلط بر جنبش قومی ایران تجزیه‌طلبی نبوده و در مواردی که گروه‌های قومی تندرو مطالبات اقوام را به سمت تجزیه و جدایی سوق داده‌اند از سوی مردم منطقه حمایت و پشتیبانی نشده‌اند. مطالبات اقوام ایرانی به ویژه مطالبه حق تعیین سرنوشت و نیز راه‌های نیل به آن در سال‌های اخیر تحت تأثیر جهانی‌شدن و گفتمان دموکراسی خواهی قرار گرفته است و نگرش اقوام ایرانی به هویت ملی نگرشی مثبت و رابطه هویت قومی و ملی مبنی بر همسازی و عدم تعارض است. به همین دلیل حق تعیین سرنوشت از طرف اقوام ایرانی منجر به سوق یافتن مطالبات و کنش‌های سیاسی ایشان به تجزیه‌طلبی نشده است.

پورزیتانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان، بررسی هویت جمعی غالب در بین اعراب خوزستان، به این نتیجه رسید که غلبه هویت قومی در بین اعراب خوزستان و معناداری رابطه مستقیم بین سطوح هویت جمعی (محلّی، ملی و جهانی) با وابستگی شغلی دولت، رضایت از عملکرد دولت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین و رابطه معکوس با گستره تعاملات اجتماعی، احساس تبعیض، احساس محرومیت، پیوستگی افراد به گروه‌های نخستین، اصالت قومی و سن افراد بوده است.

ملکی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی: مطالعه موردی استان گلستان» نتیجه گرفت که نبود رابطه منفی و معنادار بین گرایش به هویت

ملی و تمایلات قومی برقرار است. به عبارتی نتایج بیانگر آن هستند که هر قدر بر میزان تمایلات قومی افزوده شود به همان اندازه، از میزان تعلق به هویت ملی کاسته خواهد شد. امانوئل اریس جافر^۱ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «همبستگی ملی در لیبریا» ضمن بهره‌گیری از رویکرد اکتشافی، به این نتیجه رسید که تقسیم طبقاتی و شکاف‌های اجتماعی ناشی از آن در جامعه باعث ایجاد مسئله همبستگی سیاسی و اقتصادی در لیبریا شده است. از نظر مؤلف مشخص شدن تقسیم طبقاتی در لیبریا این ایده را که جوامع آفریقایی فاقد طبقه و بنابراین بدون تغییر بوده‌اند را رد می‌کند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱) عوامل سیاسی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.
- ۲) عوامل اقتصادی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.
- ۳) عوامل اجتماعی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.
- ۴) عوامل مذهبی و قومی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.
- ۵) عوامل فرهنگی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.

روش‌شناسی پژوهش

روش به کار گرفته شده در این پژوهش پیمایشی و به لحاظ هدف، یک پژوهش کاربردی است. داده‌ها از نوع متغیر کیفی و کلامی با طیف ۵ تایی لیکرت خواهد بود که با استفاده از پرسشنامه از افراد جامعه آماری پژوهش به دست خواهد آمد. جامعه آماری این پژوهش کلیه ساکنان استان سیستان و بلوچستان است که بر طبق سرشماری سال ۹۰ به تعداد

1. Emanuel oristjafir

۲۵۳۴۳۲۷ گزارش شده است. حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد. سعی شده است نمونه مورد مطالعه تمام اقشار جامعه را پوشش دهد. نمونه این پژوهش با استفاده از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی طبقه‌ای (با توجه به ویژگی‌های جمعیتی مانند قومیت، جنسیت، مذهب) انتخاب شد. مقدار آلفای کرونباخ برای سؤالات پرسشنامه برابر با ۰/۹۴۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی بالای آن است. به منظور بررسی فرضیه‌های مطرح شده از آزمون تی تک نمونه‌ای و دو نمونه‌ای استفاده شد. در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن به رتبه‌بندی عوامل پرداخته‌ایم.

جدول ۱: مقدار آلفای کرونباخ سؤالات پرسشنامه

تعداد گویه	آلفای کرونباخ	پایایی
۱۰	۰/۸۸۱	عامل سیاسی
۳	۰/۸۲۴	عامل اقتصادی
۶	۰/۷۵۵	عامل اجتماعی
۱۱	۰/۸۰۷	عامل قومی - مذهبی
۱۱	۰/۸۹۹	عامل فرهنگی
۴۱	۰/۹۴۵	برای کل سؤالات

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی

جدول ۲: آمار توصیفی مشخصات عمومی نمونه آماری

توزیع داده‌ها				مؤلفه‌ها	
زن		مرد		جنسیت	
٪۴۷		٪۵۳			
بالای ۴۰ سال		بین ۲۵ تا ۴۰ سال		سن	
٪۲۲/۹		٪۵۰/۳			
دکتر		فوق لیسانس		تحصیلات	
٪۲/۱		٪۱۸/۲			
زیر ۲۵ سال		فوق دیپلم		ت	
٪۲۶/۸		٪۱۵/۹			
لیسانس		دیپلم و زیر دیپلم		ت	
٪۴۰/۱		٪۲۳/۷			

آمار توصیفی

در پژوهش حاضر برای بیان سنجش عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی - مذهبی و فرهنگی گویه‌های اندازه‌گیری، برای ارزیابی کلی پژوهش به شرح زیر است:

جدول ۲. آمار توصیفی گویه‌های پرسشنامه عامل سیاسی

انحراف معیار	میانگین	شدت					گویه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۲	۱/۰۸	۱۹۶	۱۰۶	۵۶	۸	۱۷	توزیع عادلانه امکانات برای تمام شهرها
		%۵۱	%۲۷/۶	%۱۴/۸	%۲/۱	%۴/۴	
۱/۰۳	۴/۱۶	۲۰۲	۸۷	۷۴	۱۷	۴	توجه به عمران و توسعه مناطق محروم
		%۵۲/۶	%۲۲/۷	%۱۹/۳	%۴/۴	%۱	
۴/۱۵	۰/۹۲	۱۶۶	۱۳۸	۴۸	۳۲	۰	ایجاد فرصت برابر در دستیابی به مناصب
		%۴۳/۲	%۳۵/۹	%۱۲/۵	%۸/۳	۰	
۴/۳۹	۰/۸۵	۲۲۴	۱۰۴	۲۹	۲۷	۰	محرومیت‌زدایی
		%۵۸/۳	%۲۷/۱	%۷/۶	%۷	۰	
۴/۱۶	۰/۹۸	۱۷۲	۱۳۰	۴۸	۳۰	۴	اجرای دقیق قانون برای همه
		%۴۴/۸	%۳۳/۹	%۱۲/۵	%۷/۸	%۱	
۳/۹۶	۱/۱۱	۱۵۴	۱۰۳	۸۸	۲۲	۱۷	انتخاب مسئولان محلی از میان افراد شایسته بومی
		%۴۰/۱	%۲۶/۸	%۲۲/۹	%۵/۷	%۴/۴	
۴/۱۵	۰/۸۹	۱۵۹	۱۴۳	۶۸	۱۴	۰	اقدامات عملی و به‌دوراز شعارپردازی
		%۴۱/۴	%۳۷/۲	%۱۷/۷	%۳/۶	۰	
۰/۹۳	۳/۸۹	۹۳	۱۷۸	۸۲	۲۳	۸	تأمین حقوق سیاسی همه اقلیت‌ها
		%۲۴/۲	%۴۶/۴	%۲۱/۴	%۶	%۲/۱	
۱/۰۷	۴/۱۲	۱۸۹	۱۰۳	۵۶	۲۷	۹	کسارآفرینی و ایجاد اشتغال توسط دولت
		%۴۹/۲	%۲۶/۸	%۱۴/۶	%۷	%۲/۳	
۰/۹۷	۳/۸۳	۱۰۱	۱۵۶	۹۷	۲۶	۴	بسط آزادی و مردم‌سالاری و جلب مشارکت جمعی در تصمیم‌گیری‌ها
		%۲۶/۳	%۴۰/۶	%۲۵/۳	%۶/۸	%۱	

با نگاهی به میانگین گویه‌های مربوط به عامل سیاسی مشاهده می‌شود که تمامی گویه‌های مطرح شده میانگین بالایی در نمره‌دهی افراد داشته‌اند و این موضوع، بیانگر اهمیت و نقش عامل سیاسی در ایجاد و ارتقاء همبستگی ملی در استان است.

جدول ۳. آمار توصیفی گویه‌های پرسشنامه عامل اقتصادی

انحراف معیار	میانگین	شدت					گویه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳/۷۳	۱/۰۵	۱۱۰	۱۲۹	۹۱	۴۵	۹	وضعیت معیشتی مردم
		%۲۸/۶	%۳۳/۶	%۲۳/۷	%۱۱/۷	%۲/۳	
۳/۶۹	۱/۰۹	۱۰۵	۱۲۹	۹۴	۳۳	۲۳	جایگاه اقتصادی مردم و میزان درآمد آنان
		%۲۷/۳	%۳۳/۶	%۲۴/۵	%۸/۶	%۶	
۴/۰۱	۱/۰۳	۱۴۳	۱۴۳	۵۹	۲۱	۱۸	ایجاد امکانات و شرایط توسعه اقتصادی
		%۳۷/۲	%۳۷/۲	%۱۵/۴	%۵/۵	%۴/۷	

در مورد عامل اقتصادی، گویه اول مربوط به ایجاد امکانات و شرایط توسعه اقتصادی است. آمارها نشان می‌دهد که این عامل بیش‌ترین میانگین را در میان گویه‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است و مهم‌ترین نقش را از این حیث در ایجاد همبستگی ملی در استان ایفا می‌کند. جایگاه اقتصادی مردم و وضعیت معیشتی ایشان نیز دارای اهمیت متوسط از نظر پاسخ‌دهندگان هستند.

جدول ۴. آمار توصیفی گویه‌های پرسشنامه عامل اجتماعی

انحراف معیار	میانگین	شدت				گویه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	
۳/۷۵	۱/۰۵	۹۱	۱۴۷	۹۴	۳۹	احترام به تمامی سلايق و نظرات
		%۲۳/۷	%۳۸/۳	%۲۴/۵	%۱۰/۲	
۳/۶۹	۰/۹۷	۸۱	۱۶۰	۱۱۸	۱۳	توسعه نهادهای مشارکتی (سازمان‌های مردم نهاد در زمینه‌های مختلف)
		%۲۱/۱	%۴۱/۷	۳۰/۷	%۳/۴	
۳/۸۳	۰/۹۱	۱۰۸	۱۵۹	۹۲	۲۵	ارتقاء سطح ارتباطات و تعاملات اجتماعی افراد و قومیت‌ها
		%۲۸/۱	%۴۱/۴	%۲۴	%۶/۵	
۳/۹۹	۱/۰۳	۱۶۰	۱۲۳	۷۲	۲۰	احترام و تکریم شهروندان در مراجعه مردم به اداره و نهادهای دولتی
		%۴۱/۷	%۳۲	%۱۸/۸	%۵/۲	
۳/۹۳	۰/۹۷	۱۲۲	۱۴۵	۸۷	۲۵	جایگاه اجتماعی و میزان تحصیل
		%۳۱/۸	%۳۷/۸	%۲۲/۷	%۶/۵	
۳/۹۵	۰/۹۴	۱۳۵	۱۵۶	۶۸	۱۶	ایجاد همدلی و همکاری در بین همه اقوام
		%۳۵/۲	%۴۰/۶	%۱۷/۷	%۴/۲	

با توجه به آمار ارائه شده در جدول ۴ که مربوط به گویه‌های عامل اجتماعی است مشاهده می‌شود، از نظر پاسخ‌دهندگان تمامی گویه‌ها، سهم متوسطی در ایجاد همبستگی ملی در استان خواهند داشت و به‌طور متوسط باعث ارتقاء سرمایه اجتماعی خواهند شد. از نظر پاسخ‌دهندگان، ایجاد همدلی و مشارکت در بین اقوام، جایگاه اجتماعی، احترام و تکریم شهروندان، توسعه نهادهای مشارکتی و احترام به تمامی سلايق و نظرات همگی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی مؤثر بوده و به ایجاد همبستگی ملی در استان کمک خواهند کرد.

جدول ۵: آمار توصیفی گویه‌های پرسشنامه عامل قومی - مذهبی

انحراف معیار	میانگین	شدت					گویه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۴/۲۱	۰/۹۱	۱۷۱ ٪۴۴/۵	۱۴۰ ٪۳۶/۵	۴۷ ٪۱۲/۲	۲۲ ٪۵/۷	۴ ٪۱	احترام متقابل به اعتقادهای مذهبی
۳/۸۶	۰/۸۸	۵ ٪۱/۳	۹۹ ٪۲۵/۸	۱۴۹ ٪۳۸/۸	۱۱۱ ٪۲۸/۹	۲۰ ٪۵/۲	بهره‌گیری از نظرات ریش سفیدان در تصمیم‌گیری‌ها
۳/۹۲	۰/۸۵	۱۰۰ ٪۲۶	۱۶۲ ٪۴۲/۲	۱۰۵ ٪۲۷/۳	۱۷ ٪۴/۴	۰	تقویت گفتگوی بین مذاهب و اقوام برای نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر
۴/۱۷	۰/۹۵	۱۸۱ ٪۴۷/۱	۱۱۸ ٪۳۰/۷	۶۴ ٪۱۶/۷	۲۱ ٪۵/۵	۰	پرهیز از دامن زدن به مسائل تنش‌زا و اختلاف‌برانگیز
۴/۰۹	۰/۹۹	۱۵۶ ٪۴۰/۶	۱۴۹ ٪۳۸/۸	۳۸ ٪۹/۹	۳۷ ٪۹/۶	۴ ٪۱	میزان پایبندی به ارزش‌های دینی و اسلامی
۴	۱/۰۲	۱۴۷ ٪۳۸/۳	۱۴۹ ٪۳۸/۸	۵۵ ٪۱۴/۳	۲۵ ٪۶/۵	۸ ٪۲/۱	احترام متقابل به مراسم مذهبی
۳/۹۳	۱	۱۳۴ ٪۳۴/۹	۱۴۹ ٪۳۸/۸	۷۳ ٪۱۹	۲۰ ٪۵/۲	۸ ٪۲/۱	تأکید بر اشتراک‌های دینی و مذهبی
۳/۹۵	۱	۱۴۱ ٪۳۶/۷	۱۴۲ ٪۳۷	۶۹ ٪۱۸	۲۴ ٪۶/۳	۸ ٪۲/۱	جلوگیری از بروز خشونت‌های قومی
۳/۷۶	۱/۰۵	۱۱۰ ٪۲۸/۶	۱۳۳ ٪۳۴/۶	۸۹ ٪۲۳/۲	۴۸ ٪۱۲/۵	۴ ٪۱	نقش روحانیان و علما
۳/۷۱	۱/۰۲	۱۰۰ ٪۲۶	۱۲۸ ٪۳۳/۳	۱۱۶ ٪۳۰/۲	۳۲ ٪۸/۳	۸ ٪۲/۱	نقش حوزه‌های علمیه و مراکز دینی
۴/۰۵	۰/۹۱	۱۳۶ ٪۳۵/۴	۱۵۹ ٪۴۱/۴	۷۷ ٪۲۰/۱	۴ ٪۱	۸ ٪۲/۱	احترام به اقوام و طوایف

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد عامل قومی و مذهبی از جمله عوامل مهم در ایجاد همبستگی و ارتقاء همبستگی ملی است. همان‌طور که از جدول یادشده پیداست، بیش از

۷۰ درصد پاسخ‌گویان احترام متقابل به اعتقادات مذهبی را عامل مهمی ارزیابی کرده‌اند. همچنین گویه‌های مربوط به عوامل قومی نظیر بهره‌گیری از نظرات ریش‌سفیدان و پرهیز از دامن زدن به مسائل اختلاف‌برانگیز از دیدگاه پاسخ‌گویان بسیار حائز اهمیت شمرده شده است. نتایج یادشده نشان می‌دهد عامل مذهبی نیز سهم بسیاری در ایجاد همبستگی ملی ایفا می‌کند. تأکید بر اشتراک‌های دینی، احترام متقابل به اعتقادات مذهبی، نقش روحانیان و علما، نقش حوزه‌های علمیه و مراکز دینی، همگی بر ارتقاء همبستگی ملی در استان تأثیرگذار بوده و نمی‌توان از نقش آن‌ها چشم‌پوشی کرد.

جدول ۶. آمار توصیفی گویه‌های پرسشنامه عامل فرهنگی

انحراف معیار	میانگین	شدت				گویه	
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۳/۸۸	۱/۰۲	۱۲۰	۱۳۸	۸۴	۳۸	۴	ایجاد فرصت‌ها و امکانات آموزشی
		%۳۱/۳	%۳۵/۹	%۲۱/۹	%۹/۹۵	%۱	برابر برای تحصیل تمامی افراد جامعه
۳/۹۰	۰/۹۱	۱۰۷	۱۸۲	۷۳	۱۸	۴	ارتقاء سطح آگاهی عمومی درباره
		%۲۷/۹	%۴۷/۴	%۱۹	%۴/۷	%۱	هویت ملی و ایجاد وفاق بین اقوام و مذاهب
۳/۳۸	۱/۰۸	۵۶	۱۱۳	۱۲۷	۶۸	۲۰	تأسیس مراکز مطالعه و پژوهش‌های
		%۱۴/۶	%۲۹/۴	%۳۳/۱	%۱۷/۷	%۵/۲	قومی
۳/۵۶	۱/۱۱	۷۲	۱۳۴	۱۱۰	۴۳	۲۵	اهمیت دادن به هنر، آداب و رسوم و
		%۱۸/۸	%۳۴/۹	%۲۸/۶	%۱۱/۲	%۶/۵	ادبیات اقوام
۳/۷۴	۱/۰۵	۱۰۵	۱۴۴	۸۶	۳۶	۱۳	برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح دانش و
		%۲۷/۳	%۳۷/۵	%۲۲/۴	%۹/۴	%۳/۴	فرهنگ عمومی در مناطق کم برخوردار (محروم)
۳/۴۶	۱/۰۹	۶۷	۱۱۰	۱۳۳	۵۳	۲۱	برجسته‌سازی اشتراک‌های فرهنگی
		%۱۷/۴	%۲۸/۶	%۳۴/۶	%۱۳/۸	%۵/۵	نظیر ادبیات و موسیقی در بین اقوام
۳/۶۸	۱/۰۱	۱۰۱	۱۰۴	۱۱۷	۶۲	۰	تقدیر از نخبگان قومی در راستای
		%۲۶/۳	%۲۷/۱	%۳۰/۵	۱۶۵/۱	۰	هویت بخشی به اقوام
۳/۶۷	۰/۹۶	۸۷	۱۲۱	۱۳۰	۴۲	۴	احترام به خرده‌فرهنگ‌ها و گره زدن

		٪۲۲/۷	٪۳۱/۵	٪۳۳/۹	٪۱۰/۹	٪۱	آن با فرهنگ عمومی کشور
۴/۱۷	۰/۸۸	۱۶۶	۱۶۲	۴۸	۴	۴	آگاهی بخشی در مورد شیوه‌های دخالت بیگانگان در ایجاد تفرقه و اختلاف بین مردم
		٪۴۳/۲	٪۴۲/۲	٪۱۲/۵	٪۱	٪۱	
۳/۶۹	۱/۰۹	۱۰۶	۱۱۳	۱۰۸	۴۹	۸	ارتقاء عملکرد رسانه‌های ملی و محلی در رابطه با اقوام
		٪۲۷/۶	٪۲۹/۴	٪۲۸/۱	٪۱۲/۸	٪۲/۱	
۳/۴۳	۱/۱۵	۸۹	۱۰۱	۱۱۶	۵۲	۲۶	تأسیس باشگاه‌های فرهنگی- ورزشی بین قومی و فراقومی
		٪۲۳/۲	٪۲۶/۳	٪۳۰/۲	٪۱۳/۵	٪۶/۸	

با توجه به ۱۱ گویه مطرح شده در مورد عامل فرهنگی و آمارهای منتج از پرسشنامه می‌توان این گونه برداشت کرد که این عامل نیز از نقطه نظر پاسخ‌دهندگان یک عامل مهم تلقی شده و سهم بسزایی در ارتقاء همبستگی و سرمایه اجتماعی خواهد داشت. آگاهی بخشی در مورد شیوه دخالت بیگانگان از جمله موارد فرهنگی است که نقش مهمی در ارتقاء همبستگی دارد به طوری که بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌گویان سهم این گویه را زیاد و خیلی زیاد بر شمرده‌اند.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: عوامل سیاسی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.

جدول ۸. نتایج آزمون آماری تی تک متغیره تأثیر عامل سیاسی بر همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

شدت	فراوانی	تعداد	تفاوت میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری
کم	۱۹	۳۸۴	۱۱/۰۱	۷/۱۴	t= 30/476
متوسط	۱۳۰				
زیاد	۲۳۵				
Sig=۰,۰۰۰					

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد تفاوت میانگین میزان تأثیر عامل سیاسی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان برابر ۱۱/۰۱ است که بیانگر اهمیت بالای این عامل بر همبستگی است. همچنین یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره $30/476$ $t=$ و سطح معناداری $Sig=0,000$ است که بیانگر معنادار بودن رابطه یادشده و تأیید فرضیه نخست می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عوامل سیاسی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار است.

فرضیه دوم: عوامل اقتصادی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.

جدول ۹. نتایج آزمون آماری تی تک متغیره تأثیر عامل اقتصادی بر همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فراوانی	شدت	فرضیه دوم
$t=16/693$	۲/۸۰	۲/۴۱	۳۸۴	۵۵	کم	
$Sig=0,000$				۱۹۷	متوسط	
				۱۳۲	زیاد	

در فرضیه دوم به بررسی وجود تأثیر عامل اقتصادی بر ارتقاء همبستگی ملی و ارتقاء سرمایه اجتماعی پرداخته شد. نتیجه آزمون آماری تی حاکی از آن است که با توجه به مقدار $Sig=0,000$ و معنادار بودن رابطه می‌توان گفت عوامل اقتصادی نیز بر همبستگی ملی تأثیر گذار بوده و باعث ارتقاء میزان سرمایه اجتماعی در استان خواهد شد. علاوه بر این نتایج آزمون مقدار تفاوت میانگین برابر ۲/۴۱ و مقدار آماره تی به میزان ۱۶/۶۹۳ است.

فرضیه سوم: عوامل اجتماعی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون آماری تی تک متغیره تأثیر عامل اجتماعی بر همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فراوانی	شدت	فرضیه سوم
$t=27/094$	۳/۹۴	۵/۴۶	۳۸۴	۳۴	کم	
Sig=۰,۰۰۰				۲۰۷	متوسط	
				۱۴۳	زیاد	

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول بالا می‌توان مشاهده کرد که میزان معناداری با ضریب اطمینان ۹۵ درصد کمتر از ۰/۰۵ بوده و این موضوع بیانگر معنادار بودن رابطه و تأیید فرضیه است. پس می‌توان گفت عوامل اجتماعی نیز بر ارتقاء همبستگی ملی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار بوده و از این عامل نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. همچنین تفاوت میانگین میزان تأثیر عوامل اجتماعی ۵/۴۶ و با انحراف معیار ۳/۹۴ و مقدار تی برابر ۲۷/۰۹۴ است.

فرضیه چهارم: عوامل قومی و مذهبی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار هستند.

جدول ۱۱. نتایج آزمون آماری تی تک متغیره تأثیر عامل قومی مذهبی بر همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

آزمون آماری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	تعداد	فراوانی	شدت	فرضیه چهارم
$t=42/727$	۶/۴۰	۱۳/۹۷	۳۸۴	۱۱	کم	
Sig=۰,۰۰۰				۱۰۴	متوسط	
				۲۶۹	زیاد	

با توجه به آمار ارائه شده می توان گفت عامل مذهبی و قومی یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر همبستگی ملی به شمار می رود. مقدار تفاوت میانگین ۱۳/۹۷ مؤید این موضوع و اهمیت بالا و تأثیرگذاری این عامل است. مقدار آماره تی ۴۲/۷۲۷ است و مقدار معناداری ۰/۰۰۰ است که با توجه به کمتر از ۰/۰۵ بودن آن می توان گفت که فرضیه چهارم مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه پنجم: عوامل فرهنگی بر ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار هستند.

جدول ۱۲. نتایج آزمون آماری تی تک متغیره تأثیر عامل فرهنگی بر همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

شدت	فراوانی	تعداد	تفاوت میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری
کم	۱۷	۳۸۴	۱۰/۴۲	۷/۶۷	t= 18/947
متوسط	۱۲۸				
زیاد	۲۳۹				
Sig=۰,۰۰۰					

براساس یافته های آماری گویه های عامل فرهنگی مشاهده می شود که مقدار تفاوت میانگین نمره مجموع گویه ها ۱۰/۴۲ است و مقدار آماره تی، ۱۸/۹۴۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که بیانگر معنادار بودن رابطه یادشده و تأیید فرضیه پنجم است و نشانگر تأثیرگذار بودن عامل فرهنگی بر ارتقاء همبستگی ملی است.

در این بخش با استفاده از آزمون تی دو نمونه ای مستقل به بیان تفاوت آماری بین عوامل شناسایی شده مؤثر بر همبستگی ملی بر حسب جنسیت، قومیت و مذهب اشاره خواهد شد و برای هر گروه به تفکیک، میانگین، انحراف معیار، آماره تی و ضریب معناداری اشاره می شود.

جدول ۱۳. نتایج آزمون آماری تی دو نمونه‌ای بر حسب جنسیت

معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	عوامل تأثیر گذار
۰/۵۱	۰/۸۲۹	۷/۵۶	۴۰/۶۸	زن	عامل سیاسی
		۶/۴	۴۱/۲۷	مرد	
۰/۹۳	۰/۰۸	۲/۹۹	۱۱/۴۷	زن	عامل اقتصادی
		۲/۵۸	۱۱/۴۲	مرد	
۰/۳۹	۰/۶۸	۴/۲۱	۲۳/۳۳	زن	عامل اجتماعی
		۳/۶۲	۲۳/۶۰	مرد	
۰/۸۳	۰/۶۹	۶/۵۰	۴۴/۱۹	زن	عامل قومی مذهبی
		۶/۲۹	۴۳/۷۳	مرد	
۰/۸۸	۰/۲۱	۷/۶۹	۴۰/۳۵	زن	عامل فرهنگی
		۷/۶۸	۴۰/۵۱	مرد	

با توجه به یافته‌های اشاره شده در جدول بالا مشاهده می‌شود که برای تمامی عوامل شناسایی شده هیچ تفاوت معناداری بین مرد و زن وجود ندارد. به بیان دیگر می‌توان گفت زن‌ها و مردها همگی معتقدند که هر پنج عامل بر ارتقاء همبستگی ملی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد.

جدول ۱۴. نتایج آزمون آماری تی دو نمونه‌ای بر حسب قومیت

معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	قومیت	عوامل تأثیر گذار
۰/۷۵	۲/۳	۷/۱۷	۴۰/۸۳	فارس	عامل سیاسی
		۷/۱۶	۴۱/۲۸	بلوچ	
۰/۷۵	۱/۴	۳/۰۰	۱۱/۴۹	فارس	عامل اقتصادی
		۲/۱۵	۱۱/۳۳	بلوچ	
۰/۳۷	۰/۸	۳/۸۴	۲۳/۴۲	فارس	عامل اجتماعی
		۴/۱۹	۲۲/۷۲	بلوچ	
۰/۷۴	۱/۵	۶/۷۱	۴۳/۸۲	فارس	عامل قومی مذهبی
		۶/۴۰	۴۳/۴۰	بلوچ	
۰/۸۸	۱/۰۳	۷/۵۱	۴۰/۵۷	فارس	عامل فرهنگی
		۷/۹۳	۴۰/۳۵	بلوچ	

نتایج اشاره شده در جدول بالا مربوط به میانگین و دیگر داده‌های آماری حاصل از پرسشنامه به تفکیک قومیت است. مشاهده می‌شود که ضرایب معناداری برای تمامی عوامل، بالاتر از ۰/۰۵ است که نشانگر نبود تفاوت معنادار در نظرات قوم فارس و بلوچ است. به عبارت دیگر هر دو گروه هم‌نظر هستند که این عوامل بر روی ارتقاء همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت دارند.

جدول ۱۵. نتایج آزمون آماری تی دو نمونه‌ای بر حسب مذهب

عوامل تأثیر گذار	مذهب	میانگین	انحراف معیار	t	معناداری
عامل سیاسی	تشیع	۴۰/۹۶	۷/۱۰	۱	۰/۹۲
	تسنن	۴۱/۱۰	۷/۲۸		
عامل اقتصادی	تشیع	۱۱/۴۹	۲/۹۵	۰/۳۲	۰/۷۴
	تسنن	۱۱/۳۲	۲/۲۰		
عامل اجتماعی	تشیع	۲۳/۴۸	۳/۸۳	۱/۱۳	۰/۲۶
	تسنن	۲۲/۵۹	۴/۲۰		
عامل قومی مذهبی	تشیع	۴۳/۸۱	۶/۶۱	۰/۳۱	۰/۷۵
	تسنن	۴۳/۳۹	۶/۵۶		
عامل فرهنگی	تشیع	۴۰/۶۴	۷/۴۲	۰/۲۷	۰/۷۸
	تسنن	۴۰/۲۲	۸/۰۷		

جدول بالا نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل را به تفکیک مذهب پاسخ‌گویان نشان داده است. بر اساس یافته‌ها و با مقایسه میانگین‌ها و همچنین ضرایب معناداری (ضریب اطمینان ۰/۹۵) می‌توان گفت در هیچ عاملی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر پیروان هر دو مذهب معتقدند که تمام عوامل بر همبستگی ملی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذارند.

به منظور اولویت‌بندی میزان تأثیر عوامل مؤثر بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان، از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۶ آمده است.

جدول ۱۶. نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل

عوامل	میانگین رتبه‌ای	آماره χ^2	درجه آزادی	سطح معناداری
قومی - مذهبی	۴/۳۴	۱۲۵۱/۸۷۹	۴	۰/۰۰۰
فرهنگی	۳/۸۶			
سیاسی	۳/۸۰			
اجتماعی	۲			
اقتصادی	۱			

همان‌طور که از نتایج جدول پیداست، آماره χ^2 محاسبه شده ۱۲۵۱/۸۷۹ با درجه آزادی ۴ است. با توجه به مقدار ضریب معناداری می‌توان گفت بین عوامل شناسایی شده تفاوت معناداری وجود دارد و در نتیجه می‌توان به رتبه‌بندی و اولویت‌بندی آن‌ها پرداخت. با استفاده از آزمون فریدمن با مقایسه میزان میانگین رتبه‌ای هر عامل می‌توان مشاهده کرد عامل قومی - مذهبی با میانگین رتبه‌ای ۴/۳۴ دارای بالاترین میانگین بوده و مهم‌ترین عامل از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به شمار می‌رود. عامل فرهنگی با میانگین رتبه‌ای ۳/۸۶ در رتبه دوم، عامل سیاسی با میانگین ۳/۸۰ در رتبه سوم، عامل اجتماعی با میانگین ۲ در رتبه چهارم و در نهایت عامل اقتصادی با میانگین ۱ در اولویت آخر قرار دارند. نمودار زیر نیز این اولویت‌بندی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. اولویت‌بندی عوامل

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل سیاسی جزء جدایی‌ناپذیر در ایجاد همبستگی ملی در هر جامعه هستند. تحرکات قومی و ملی نیز به شدت از عوامل سیاسی تأثیر می‌پذیرند و حتی عوامل سیاسی گاه خواسته یا ناخواسته، به تشدید فعالیت‌های قومی و سیاسی شدن قومیت‌ها منجر می‌شوند. مناطق مختلف یک کشور به خصوص مناطق قومی و اقلیت‌نشین، مداوم خود را در مقایسه با سایر مناطق و تطبیق با فرهنگ و قومیت غالب ارزیابی می‌کنند. پیشرفت و توسعه نامتوازن و یا احساس نوسازی نامتوازن، احساس تبعیض و نابرابری را به دنبال خواهد داشت که این مسئله به نوبه خود تنش‌های قومی و نارضایتی از حکومت مرکزی و تحرک‌های گریز از مرکز را سبب خواهد شد. دیدگاه تبیینی رقابت بر سر منابع به این نکته تأکید دارد که رهیافت ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت خاص، چهارچوبی ایجاد می‌کند که در آن رقابت بر سر منابع به ویژه مشاغل دولتی، انگیزه عمده کشمکش میان اقوام است. در صورتی که مشاغل دولتی صرفاً توسط یک گروه قوم مسلط و یا امتیازات آشکاری در دست یک قوم باشد، رقابت قومی بر مبنای افزایش هویت قومی برای کشمکش بر سر منابع و یا تسخیر مشاغل دولتی صورت می‌پذیرد. پس تغییر برخی راهکارهای مدیریتی نسبت به مناطق حاشیه‌ای و اجرای کامل قانون اساسی

لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا همبستگی ملی و به دنبال آن تقویت سرمایه اجتماعی به منظور نیل به امنیت پایدار حاصل شود (قمری، ۱۳۸۴: ۵۴). در مورد عامل سیاسی و اثرگذاری آن بر همبستگی ملی، نتایج این پژوهش نیز حاکی از آن است که عامل سیاسی از دید پاسخ‌دهندگان مهم و تأثیرگذار شناخته شده به طوری که در آزمون رتبه‌ای فریدمن نیز این عامل در جایگاه سوم قرار گرفت.

با توجه به یافته‌های پژوهش، لازم است سیاست‌های داخلی و خارجی کشور متناسب با اصل تنوع قومی تدوین و قانون اساسی کشور در رابطه با حقوق اقوام اجرایی شود زیرا با خودآگاهی قومی، مسائل مربوط به اقوام، ماهیت جدیدی پیدا کرده که اصل عدالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... از مبانی اصلی و مهم آن است. با تدوین راهبردهای مدیریتی درست و اصولی می‌توان همبستگی ملی را در استان‌های با اقوام مختلف مانند سیستان و بلوچستان ارتقاء داد و در سایه آن امنیت پایدار را برای استان به ارمغان آورد.

همان‌طور که از نتایج پژوهش به دست آمد، عامل اقتصادی نیز بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی تأثیرگذار و مثبت ارزیابی شده و همچنین عامل اقتصادی در بین عوامل مطرح شده در رتبه پنجم قرار گرفت که نشان از اهمیت کمتر این عامل در بین پنج عامل دیگر است. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر باید با انجام دسته‌ای از اقدامات، توسعه اقتصادی را به منظور رشد و توسعه مناطق محروم فراهم کرد تا موجب ارتقاء جایگاه اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم شود.

در این پژوهش در مورد عوامل قومی - مذهبی و اثرگذاری آن‌ها بر همبستگی ملی، نتایج ارائه شدند. با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان گفت این عوامل از دید پاسخ‌دهندگان به عنوان مهم‌ترین عامل مطرح شده است به طوری که در آزمون رتبه‌ای فریدمن، این عامل در جایگاه اول قرار گرفت. تنوع قومی و مذهبی از مشخصات بارز استان سیستان و بلوچستان است که این تنوع می‌تواند مانند شمشیر دو لبه عمل کند که در صورت داشتن راهبرد مناسب، در هر برهه از زمان می‌تواند چالش‌های پیش رو را به فرصت تبدیل کند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: تنوع اقوام در کشور بزرگ و سرافراز ایران

یک فرصت است. سنت و آداب، عادات مختلف، استعدادهای گوناگون و متنوع یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند و با همزیستی، اتحاد کامل و اعمال راهبرد مدیریتی مناسب، شکوفایی را برای این سرزمین به ارمغان آورند.

بر اساس نظریه گوبولو، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی است. بدین مفهوم که دسته‌بندی‌های اجتماعی، تقسیم کار و طبقه‌بندی‌های اجتماعی بر مبنای عوامل و عناصر قومی، قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قومی موجب می‌شود. به همین منظور فرضیه سوم یعنی تأثیر عوامل اجتماعی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان بررسی و مشاهده شد که این عامل نیز بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذار است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی از جمله تقویت احترام و تکریم در میان شهروندان، نهادینه کردن عناصر مثبت از جمله ایجاد همدلی و همکاری در بین اقوام، احترام به نظرها و سلیقه‌ها، ارتقاء سطح ارتباطات اجتماعی و... در همبستگی ملی تأثیر دارد. در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح دنیا و گاه به عنوان عامل مهم همبستگی ملی بشمار می‌آید. ولی به این نکته باید اشاره کرد که با توجه به اینکه بسیاری از ادیان مختص مردم یک کشور نبوده، از این رو کارشناسان علوم اجتماعی، اکنون دین و مذهب را یک عامل معنوی شمرده و گاه در برابر تنش دینی و مذهبی از عوامل اصلی هویت ملی بهره می‌گیرند که پراهمیت‌ترین عامل همبستگی ملی مردم هر جامعه محسوب می‌شود. اقوام ایرانی با توجه به اینکه در سرزمینی مشترک زندگی می‌کنند، به اجبار با یکدیگر همبستگی فرهنگی پیدا می‌کنند. این همبستگی فرهنگی بستر مناسبی است که بتوان با تمسک به این وحدت فرهنگی نسبت به تقویت روند تبادل اندیشه‌ها و نمادها و رواج ارزش‌های فرهنگی مثل عزت، احترام، تعهد، معرفت و صداقت اقدام نمود. بنابراین

با توجه به فرهنگ و سرزمین مشترک اقوام ایرانی و به خصوص دو قوم فارس و بلوچ می‌توان با اتخاذ تدابیر فرهنگی نسبت به ارتقاء سطح همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی اقدام کرد. بنابراین فرهنگ را می‌توان به عنوان یک عنصر کارآمد در ایجاد همبستگی یک ملت دانست.

نتایج کلی تحقیق حاکی از آن است که هر پنج عامل مطرح شده بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذارند و هیچ تفاوت معناداری در نظرات پاسخ‌دهندگان از حیث جنسیت، قومیت و مذهب ایشان وجود ندارد. همچنین با توجه به نتایج آزمون فریدمن نیز مشخص شد که عامل قومی - مذهبی از دید پاسخ‌گویان اثرگذارترین عامل در ارتقاء همبستگی ملی در استان سیستان و بلوچستان است. بعد از این عامل، به ترتیب عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

پیشنهادها

مبتهی بر نتایج به دست آمده از این پژوهش، می‌توان پیشنهادهای کاربردی به صورت زیر ارائه کرد:

- استفاده از ظرفیت موجود در اقوام به عنوان فرصتی برای تقویت کارکردهای قومی - مذهبی؛
- ایجاد و تولید نمادهای مشترک فرهنگی و تبادل اندیشه‌ها بین اقوام و استفاده از این فرصت برای ارتقا همبستگی میان اقوام؛
- توجه به اشتراکات دینی و مذهبی و پرهیز از دامن زدن به مباحث اختلاف‌برانگیز؛
- تأمین حقوق سیاسی اقلیت‌ها از طریق تحقق حقوق شهروندی؛
- نهادینه‌سازی فرهنگ تکریم و احترام، همدلی و همکاری میان شهروندان و توسعه احترام به نظرات و سلیقه‌ها و ارتقا سطح ارتباطات اجتماعی سالم؛
- ریشه‌کن‌سازی محرومیت اقتصادی و توجه به ظرفیت‌های اقتصادی منطقه برای توسعه اقتصادی و توجه به بالابردن سطح اشتغال و ایجاد جذابیت‌ها برای سرمایه‌گذاری.

فهرست منابع

- آقابخش، علی. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی. مرکز مدارک اطلاعات. چاپ سوم. تهران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). عقل در سیاست، سی و پنج گفتار در فلسفه. جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران، انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۸). بررسی هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی). جلد اول. تهران: وزارت کشور.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۰). الگوی سیاست قومی در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۱۹-۱۳۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ریترز، جورج. (۱۳۸۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی، مترجم. تهران: علمی.
- زیاری، کرامت‌الله و همکاران. (۱۳۸۹). چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵. فصلنامه ژئوپلیتیک. شماره ۱۷.
- سخاوتی‌فر، نورمحمد. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی ترکمن‌ها در استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۴). همبستگی ملی و هویت قومی. تهران: دانشگاه تهران.
- قاسمیانی، صلاح. (۱۳۸۰). تأثیر جهانی شدن بر قومیت‌گرایی. تهران: دانشگاه تهران.
- قمری، حسین. (۱۳۸۴). انسجام ملی در سایه هویت قومی. تهران: نگاه معاصر.
- پورسعید، عباس. (۱۳۸۶). الگوی همبستگی ملی در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۱۷.